

آنچه در زیر می‌خوانید ، خلاصه‌ی بی است از سخنان خانم دکتر شمس- آوری ، که در کلاسهای آموزش خانواده بیان شد .

مسایل نوجوانان در مرحله انتخاب همسر و تشکیل خانواده

از : خانم دکتر شمس آوری

در بحث امروز بیشتر در مورد نقش خانواده در تعلیم و تربیت صحبت خواهد شد زیرا قبل از اینکه نوجوانان بر مرحله تصمیم‌گیری برسند ، بایستی باین نکته توجه گردد . جامعه کنونی ما به نسبت کشورهای مختلف دچار تغییر و تحولات شدید شده که بر خانواده تأثیر گذاشته است .

تغییراتی که بعنوان یک نهاد اجتماعی در خانواده بوجود آمده ، تحت تأثیر انقلاب صنعتی از یکطرف ، رشد و توسعه اقتصادی از طرف دیگر و توسعه علم و دانش (بطور کلی) قرار گرفته است .

در جوامع کشاورزی قدیم ، نظام پدر سالاری حکمفرما بود ، در حالیکه اکنون خانواده بطور وسیع جای خود را به یک نهاد تک سلولی (شامل پدر و مادر و فرزندان) داده است . همانطور که می‌دانید ، خانواده گذشته (شامل پدر ، و مادر ، فرزندان پدر بزرگ ، مادر بزرگ و دیگر فامیل) تأثیر زیادی در رشد شخصیت و تعلیم و تربیت فرزندان داشته است ؛ حالت کنونی خانواده مشکلات زیاد بوجود آورده ، از طرف دیگر انقلاب صنعتی ، ترقی و توسعه صنعتی در سطح خیلی وسیعتر ، رابطه انسان را با محیط خود وسیعتر نموده، بخصوص نحوه کار و زندگی فرد در جوامع صنعتی متفاوت است .

رشد و توسعه اقتصادی باعث شده دولت بیش از پیش در زندگی خصوصی افراد دخالت کند ، زیرا افراد (بخصوص در زمینه تعلیم و تربیت) دولت را موظف می کنند برای جامعه تصمیم بگیرد. در گذشته تعلیم و تربیت برعهده خانواده بود و حتی تعلیمات حرفه‌ای در سطح خانواده انجام می‌گرفت. اگر پدری نجار بود ، پسر خود را دردکان خود تعلیم می‌داد و بعدها جای خود را باو می‌داد . این نظام باصنعتی شدن کشورها بهم خورد و تعلیم و تربیت از سطح خانواده ، برعهده دولتها محول شد .

تغییرات در مفهوم خانواده تأثیر گذاشته و مفهوم آن را نسبت به قدیم دگرگون ساخته است . در گذشته به خانواده بعنوان نظام استحکام بخش اجتماع می‌نگریستند . مسئله فرد مطرح نبود . زن و شوهر (پسر یا دختر جوان) همدیگر را انتخاب نمی‌کردند ، بلکه خانواده‌ها

بودند که ازدواج را بخاطر ابقای خانواده ترتیب می دادند ، درحالیکه اکنون این مفهوم بکلی عوض شده و ازدواج برپایه عشق بنا می شود. یک زن وشوهر همدیگر را انتخاب می کنند ، و دخالت خانواده در امر ازدواج ، بیشتر بصورت غنی نمودن شخصیت فردی زن یا شوهر انجام می گیرد ، نه بصورت ابقای خانواده . وقتی شما با هم زندگی می کنید ، مشکلات را با هم مطرح می کنید و اسکان دارد کمتر دچار مشکل شوید ، ولی وقتی زن وشوهر به تنهایی زندگی کنند (خود یکدیگر را انتخاب کنند) خود مسئولیتهای زندگی را برعهده می گیرند و ناگزیر به مقابله با آنها هستند . بسیاری از مشکلات روانی که در عصر حاضر در مورد نوجوانان بوجود می آید ، بر اثر تغییر نظام خانواده است (از حالت سنتی بحالت جدید)

بنابراین در مرحله از دواج مسئله مهم ، توافق فکری و روانی و اخلاقی است. وقتی جوانان تصمیم می گیرند ازدواج کنند ، مسئله مهم مسئله سازش فکری است . درک طرز فکر همسر و سطح تحصیلات او مطرح است ، درحالیکه در خانواده گذشته این مسایل مطرح نمود . مسئله دیگر کار کردن زنها در خارج از منزل است. در قدیم زنان پایه محکم خانواده را تشکیل داده ، کلیه مسئولیتهای خانواده را برعهده داشتند . تربیت فرزندان برعهده مادران بود ، اما در حال حاضر کار کردن زن در خارج از منزل مشکلاتی را بوجود آورده که نوجوان را در آغاز زندگی مشترک دچار مشکلاتی باهمسر خود خواهد ساخت ، مشکلاتی که پدرش با آن مواجه نبوده است .

مسئله کار کردن زنان مشکل ایجاد نموده است ، ولی نباید به آن بادیبه وحشت نگریست ، بلکه رفع این مشکل مستلزم روش جدید تعلیم و تربیت در مورد نسل جوان است تا بتوانند با مشکلات باروش منطقی تری روبرو شده ، آنها را حل نمایند .

البته در سطح کشور ، تفاوتهای زیادی بین خانواده های شهری و روستائی وجود دارد. مشکلات خانواده های شهری با مشکلات خانواده های روستائی متفاوت است . در شهرها تحرك بیشتر بوده ، جامعه بیشتر نقش مصرف کننده دارد (جامعه تحت تاثیر وسایل ارتباط جمعی و فروشگاههایی است که کالاهای غیر ضروری را عرضه می کنند) زندگی در شهر بر اساس رقابت قرار گرفته ، کوشش برای تأمین زندگی از جنبه مادی باعث شده جنبه های معنوی زندگی با مسایل اخلاقی در جهت متضاد مطرح شود .

مسایل اخلاقی بر اساس عشق ، دوستی و تعاون و رعایت حال دیگران قرار دارد ، در حالیکه مسایل مادی بیشتر بر جنبه رقابت قرار گرفته و این دو عامل متضاد باعث یک سری کشمکشها و ناراحتی های روانی در فرد است ، فرد از یکطرف پایبند سنتهای قدیمی خانواده است و از طرف دیگر در شهر زندگی می کند و باید خود را همپایه دیگران سازد ، در نتیجه لزوم سیستم تعلیم و تربیت خاص (در زمینه کمک به افراد در جهت ایجاد تعادل بین احتیاجات مادی و روانی) محرز می گردد .

تحقیقات وسیعی که در زمینه جامعه شناسی و روانشناسی در مراحل رشد تربیت کودک انجام گرفته ، لزوم به تربیت و رشد کودک را محرز نموده است . مراحل مختلف رشد و نفوذ

محیط پررشد کودک مسئله‌ای است که بایستی پدران و مادران و جوانان را در مرحله ازدواج با آن آشنا ساخت ، بخصوص جوانانی که دارای تحصیلات عالی ویا حتی متوسطی نیستند باید دراین زمینه تعلیم ببینند .

در عصر جدید ، بخصوص در نیمه دوم قرن بیستم ، در کلیه کشورها با نهضت انجمن اولیا و مربیان ، نهضت‌های مربوط به تنظیم خانواده ، فدراسیون‌های بین‌المللی تنظیم خانواده (در سطح بین‌المللی و در سطح ملی) رویرو هستیم . هدف ازاین انجمنها در واقع دادن تعلیمات لازم وکافی به پدران و مادرانی است که دارای اطلاعات کافی نیستند و یا افرادی که در آستانه ازدواج قرار دارند .

در واقع تعلیم و تربیت خانواده شامل رفتار پدر و مادر وچگونگی تربیت فرزندان برای زندگی اجتماعی آینده است زیرا تعلیم و تربیت مسئله‌ای است که در تمام طول زندگی ادامه دارد وحتی قبل از تولد کودک بایستی توسط والدین انجام گیرد .

انجمنهای مانند انجمن اولیا و مربیان و مؤسساتی دراین سطح وظیفه خطیری در جهت آماده نمودن افراد برای زندگی بهتر و ایجاد تعادل در تغییراتی که نظام زندگی کنونی ایجاد نموده ، برعهده دارند .

اگر خانواده خوب تربیت شده باشد ، مشکلات مربوط به انتخاب همسر در طول زندگی ورشد فرزند را سورد توجه قرار داده ، نوجوان چنین خانواده‌یی در مرحله انتخاب همسر ، با مشکلات حاد روبرو نخواهد شد .

ما بعنوان پدر و مادر و مربی باید به تعلیم و تربیت نوجوانان در سطح وسیعتری توجه نمائیم ، زیرا آمادگی برای ازدواج ازگهواره شروع می‌شود .

اگر مشکلات کنونی را که ممکن است در مرحله ازدواج (از نظر جنسی) برای نوجوانان مطرح شود حل کنیم ، مشکل اساسی حل نشده باقی خواهد ماند ، زیرا راهنمایی‌هایی که دراین زمینه (در مرحله ازدواج) انجام می‌گیرد ، بیشتر حکم یک مسکن درد را دارد تا معالجه قطعی . اگر بخواهیم واقعا مشکلات حل شود ، همانطور که قبلا گفته شد ، باید تعلیم و تربیت صحیح از بدو تولد شروع شود تا فرزندان در یک سطح متعادل بمرحله ازدواج برسند .
قبل از اینکه بموضوع آماده نمودن نوجوانان برای ازدواج اشاره شود ، سه مسئله مهم را مطرح می‌کنیم :

۱ - روابط والدین با کودک در مرحله قبل از دبستان

آشنائی والدین با بهداشت و روانشناسی دراین زمینه مؤثر است زیرا ارتباط مستقیم بهداشت و تغذیه مادر بهنگام بارداری و وضع حمل ثابت شده است . اکثر مشکلات روانی یا جسمانی کودکان در نتیجه عدم آشنائی مادران است . بنابراین مادران قبل از بارداری باید تحت تعلیم مستقیم مؤسسات متخصص قرار گیرند .

۲ - مسئله روانشناسی کودک

روانشناسی ثابت کرده است که رشد و توسعه شخصیت کودک در سالهای اولیه زندگی

صورت می‌گیرد و چه بسا به علت عدم آشنائی پدر و مادر به نکات روانشناسی ممکن است لطمه‌های شدیدی بر شخصیت کودک وارد شود .

والدین اولین معلمین کودک هستند و توجه آنها باین مسئله فوق‌العاده حائز اهمیت است ، زیرا آنها نقش مهمی در اجتماعی کردن کودک بازی می‌کنند . رابطه‌ای را که کودک (در مرحله کودکی) با پدر و مادر دارد ، بعدها نحوه رفتار اجتماعی او را تعیین خواهد نمود . اگر پدر و مادر روابط نامتعادلی داشته باشند ، بدون شک در رفتار فرزندان تاثیر خواهد گذاشت . مشکلات ارتباطی خانواده در سطح جامعه منعکس می‌گردد . بنابراین والدین باید در این زمینه تعلیم ببینند که چگونه تعادل روانی و شخصیت سالم را در فرزندان بوجود آورند .

۳ - تربیت اخلاقی نیز مهم است .

بسیاری از ارزشهای اخلاقی را پدر و مادر بفرزند تلقین می‌کنند . البته پدران و مادران هرگز نباید نقش معلم اخلاق را بازی کنند ، رفتار پدر و مادر بخودی خود (بطور غیر مستقیم) باعث پیدایش ارزشهای اخلاقی در فرزندان می‌شود .

۴ - مسئله تربیت جنسی نیز مهم است

البته مسئله جنسی در دوران کودکی بصورت حاد مطرح نیست ، ولی بصورت سئوالات خیلی کنجکاوانه مطرح می‌شود . مثلاً ممکن است کودک بپرسد که چگونه بدنیا آمده است و پدر و مادر باید آگاهانه جوابهای ساده توأم با حقیقت داده حسی کنجکاوی کودک را ارضاء نمایند . در سن دبستان تعلیم و تربیت والدین مهم است ، زیرا پدر و مادر نباید به کودک کستان و دبستان بعنوان مؤسسه‌ای که با آنها رقابت می‌کند ، نگاه کنند (در حالیکه در بسیاری از موارد نسبت به معلم رقابت دارند) روابط اولیا و مربیان باید بصورت همکاری در زمینه تعلیم و تربیت و رشد کودک پیش رود .

در این مرحله لازم است پدران و مادران تحت تعلیم قرار گیرند که با کودک کستان یا دبستان همکاری نموده و از روش‌های تعلیماتی متضاد با تعلیم کودک کستانی یا دبستانی اجتناب ورزند . زیرا در غیر این صورت کودک دچار تضاد خواهد شد . تماس اولیا و مربیان در مدرسه ضروری است و احتیاج به همکاری مددکار دارد . ستاسفانه در ایران با مشکلاتی از قبیل عدم آگاهی اولیا و عدم تخصص و صلاحیت بعضی از معلمین روبرو هستیم .

● نقش تلویزیون در تعلیم و تربیت

نقش تلویزیون را در تعلیم و تربیت نمی‌توان نادیده گرفت . ستاسفانه برنامه تلویزیونی مناسب با شرایط فعلی اجتماعی مان نداریم . مشکل معلم ما ، مشکل معلم در فرانسه نیست زیرا آنجا معلم ، مددکار ، خانواده و تلویزیون هر کدام نقش خود را ایفا می‌کنند و در ایران هنوز آنگونه که لازمست برنامه‌ها بصورت منظم پیاده نشده است .